



سیر نگارهای علوم قرآنی

محمّدعلی مهدوی راد



قرن سیزدهم

در قرن سیزدهم، پژوهش‌های علوم قرآنی بسی نحیف و بی‌برگ و بار است، به ویژه در نیمه اول آن. از جمله موضوعاتی که در این قرن توجه عالمان را به خود معطوف داشته است، مسأله حجیت و عدم حجیت ظواهر قرآن کریم است، که از جمله پی آمدهای ظهور و بروز و سیطره فکری اخباریگری بر حوزه اندیشه شیعی، در حدود قرن ده و یازده است.

اخباریان، ظواهر آیات الهی را حجّت نمی‌دانستند، اما اینکه از این جمله چه چیزی را مراد کرده‌اند چندان روشن نیست. علامه وحید بهبهانی (ره)، به صراحت می‌نویسد:

الأخباریون: منعوا عنها [حجیة القرآن] مطلقاً...^۱

اما تدبّر در کلمات اخباریان نشان می‌دهد که منع حجیت در باور آنها، به این اطلاق و

گسترده‌گی نیست.^۲

به هر حال، این دیدگاه، در میان اصولیان عکس‌العملی آفرید که بر حجیت ظواهر کتاب تأکید کنند و در اثبات این دیدگاه رساله‌هایی رقم بزنند؛ و از آن پس این بحث وارد بحث‌های علوم قرآنی شد و به ویژه در میان اندیشوران شیعی دامن بگسترده.

فقیه، اصولی و محقق بزرگ، علامه محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به وحید بهبهانی... (م ۱۲۰۶ق)، از جمله کسانی است که در این زمینه قلم زده است، او رساله ای پرداخته است با عنوان «حجیه ظواهر الکتاب». علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آغاز و انجام آن را نشان داده و نسخه‌ای از آن را یاد کرده است. افزون بر این، علامه وحید بهبهانی در ضمن «فوائد حائریه» خود نیز بحثی دارند کوتاه درباره «حجیت ظواهر قرآن».^۳

وحید بهبهانی، از فقیهان، اصولیان و عالمان بلند آوازه شیعی است. او به سال ۱۱۱۷ق در اصفهان دیده به جهان گشوده و در همان دیار، بالیده است.

فراگیری دانش را در محضر پدر در اصفهان آغاز کرده؛ و برای تعمیق و تعمیم آن به آستانه مولی علی علیه السلام راه سپرده است، از استادان بزرگ آن دیار بهره گرفته و به جایگاه بلندی در فقه و فقاہت و دانش و ثقافت دست یافته است. وی سپس در بهبهان رحل اقامت افکند و سالها در آن دیار بماند و دانش و فقه را بگسترده و در جهت ابلاغ حق بکوشید، سپس به کربلا رفت و در آن دیار، در مقابل جریان اخباریگری استوار ایستاد و براندیشه ورزی، تعقل و اجتهاد در دین و آموزه‌های آن تأکید کرد؛ که رساله مورد گفت و گو بخشی از تلاش فکری وی در ستیز با جمود فکری اخباریان است.^۴

وحید بهبهانی، پس از نود سال درنگ در این دنیا و تلاش عظیم در جهت تدوین و تألیف و تربیت شاگردان بسیار و احیاء تفکر عظیم اصولی و حرکت عقلی در حوزه‌های شیعی، به سال ۱۲۰۵ق زندگی را بدرود گفت.^۵

در همین راه است نگاشته‌های دیگری با عنوان یاد شده و یا عناوین همگون که علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی از آنها یاد کرده است.^۶ این بحث، به گونه‌ای به تحریف و عدم تحریف کتاب الهی نیز پیوند می‌خورد، یعنی از جمله مستندات آنان می‌تواند، باورشان به تحریف کتاب الهی باشد، بدین گونه که چون بر این باور تباه روی آورده‌اند که کتاب الهی کاستی گرفته و در آن تحریف روی داده است، پس یکسر ظاهر آن از حجیت افتاده، چون در این صورت امکان از دست رفتن قراین کاملاً طبیعی است.

براین نکته از جمله محدث مشهور سید نعمت الله جزائری اشاره کرده است،^۷ بدین سان اصولیان در این بحث از جمله به «عدم تحریف کتاب الهی» پرداخته و تحریف ناپذیری قرآن را ثابت کرده‌اند.^۸

چنین است کتاب «حجیه ظواهر الکتاب و عدم تحریفه» نگاشته سید محمد علی بن سید کاظم بن سید محسن مقدس اعرجی کاظمی (م ۱۲۴۶ق) که شیخ آقا بزرگ (ره) آن را دیده و جایگاه نسخه آن را نشان داده است.^۹

در این قرن باید یاد کنیم از کتابی مهم، به خامهٔ محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶)، با عنوان «کشف الأسرار النورانية القرآنية فيما يتعلق بالأجرام السماوية والأرضية والحيوانات والنباتات والجواهر المعدنية».

این کتاب گو اینکه تفسیر است، تفسیری موضوعی که به انگیزهٔ تفسیر آیات مرتبط با اجرام آسمانی، زمینی و خلقت حیوانات و چگونگی خلق گیاهان و شگفتی‌های آنها و نیز گوهرهای کانی نوشته است. اما به واقع دیدگاه علوم قرآنی در آن منظوی است. او در مقدمه می‌گوید:

هنگامی که در ارتش دمشق به خدمت طبابت اشتغال داشتم، از حقایق علمی بسیاری، از پزشکان مسیحی و یهودی سؤال می‌کردند، در اینکه پاسخ آن را از تورات و انجیل بیابند درمی‌ماندند؛ و از اینکه دربارهٔ پرسش از معادن و سنگهای معدنی و ... جوابی بیابند باز می‌ماندند. به حال این پرسشها برای من مطرح شد، بدین سان که اگر برایم باورید که قرآن «تبیان کل شیء» است برای این پرسشها در قرآن پاسخ بیابید و من پس از آن در قرآن تدبیر کردم و آیات مرتبط با هستی و مسایل یاد شده را کاویدم و به شگفتی‌های عظیمی دست یافتم.

بدین سان اسکندرانی با این پیش فرض که همهٔ حقایق از جمله مسایل مرتبط با کان شناسی، چگونگی حیوانات و نباتات را می‌توان در قرآن یافت، این کتاب را رقم زده است. به مثل آیهٔ «ومن آیاته ان خلقکم من تراب...» (روم، ۲۰/۳۰) را مطرح می‌کند و در پرتوی تفاسیر آن، بسیاری از مسایل انسان شناسی، جنین شناسی و چگونگی خلقت آدم را می‌آورد؛ و چنین است مباحث دیگر این کتاب در آن روزگار که آغاز رویکردهای جامعهٔ اسلامی به مسایل علمی و تجربی است، به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد و عالمان و فقیهان بسیاری به آن تقریظ می‌نویسند و محتوای آن را می‌ستایند. کتاب در سه جلد، به سال ۱۲۹۷ به چاپ رسیده است.

اسکندرانی در اسکندریه به دنیا آمد و در همان دیار بالید و دانش آموخت. او در نیروی دریایی مصر تا سال ۱۲۵۶ خدمت کرد و آنگاه به دمشق رفت و در آنجا سرپرستی پزشکان ارتش را به عهده گرفت. او به جز این کتاب آثار دیگری نیز رقم زده است.

اسکندرانی، به سال ۱۳۰۶ در دمشق زندگی را بدرود گفت.^{۱۱}

در این قرن علی بن عمر بن احمد ناجی میهی^{۱۱} شافعی (م ۱۰۲۴ق)، کتابی پرداخته است با عنوان «هدایة الصبیان لفهم بعض مشاكل القرآن»، که ارجوزه ای است دربارهٔ متشابهات قرآنی و محمد حداد بن علی بن خلف مسالکی آن را شرح کرده است، با عنوان «ارشاد الأخوان لهدایة الصبیان...»، ارشاد الأخوان به سال ۱۳۲۰ در قاهره نشر یافته

است. ^{۱۲} ز زندگانی میهی آگاهی شایسته‌ای نداریم، او را به بصیرت و فضل و دانش ستوده‌اند. ^{۱۳}

در این قرن عالم جلیل سید محمد حسن موسوی اصفهانی (م ۱۲۶۳ق)، رساله‌ای پرداخته است کوتاه درباره اعجاز قرآن، با عنوان «رسالة وجيزة عزيزة في اعجاز القرآن المجید»، وی در سفری که به تهران می‌رود، از چگونگی مانند ناپذیری قرآن از او سؤال می‌شود؛ براساس آنچه در مقدمه کتاب آمده است سؤال کننده می‌گوید: از جمله وجوه اعجاز که همه پیشینیان و پسینیان بدان تأکید کرده‌اند، بلاغت قرآن است؛ و بلاغت رعایت مقتضی حال است با فصاحت کلام و گفته‌اند که بلیغ‌ترین آیه قرآن آیه «یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی...» (هود، ۴۴/۱۱) است، ما نیز همین مضمون را می‌توانیم در قالب واژگان فارسی و جمله‌های عجمی بریزیم، چگونه است که آن معجزه است و این نیست؟!

وی جوابی کوتاه و سپس جوابی دراز دامن می‌نگارد و بدین سان این رساله سامان می‌یابد. ابتدا از وجوه اعجاز سخن می‌گوید و سپس تأکید می‌کند که مهم‌ترین و شامل‌ترین وجه اعجاز، اعجاز بلاغی و بیانی آن است، و آنگاه این وجه از اعجاز قرآن را به اختصار و سپس به تفصیل بیان می‌کند. ^{۱۴} این رساله به سال ۱۳۶۰ هجری به چاپ رسیده است.

سید محمد حسن اصفهانی (م ۱۲۰۷م) از عالمان و فقیهان قرن سیزدهم است که در اصفهان به دنیا آمده و در همان دیار بالیده و دانش آموخته است. وی با بهره‌گیری از محضر عالمانی چون حاجی کرباسی و آقا سید صدرالدین عاملی و دیگر استادان حوزه اصفهان، به اجتهاد دست یافته است.

وی به سال ۱۲۴۵ به تهران رفته و روزگاری از عالمان آن دیار استفاده کرده است؛ و آنگاه برای فراگیری گسترده‌تر دانش و استفاده از محضر عالمان حوزه کهنسال نجف، به عتبات عالیات روی آورده و در مسیر راه، در کرمانشاه مدتی درنگ کرده و از محضر آقا محمد علی بهبهانی، عالم بلند آوازه این قرن استفاده کرده است، سپس به اصفهان باز گشته و به تألیف و تدریس پرداخته است. او آثار بسیاری رقم زده است، و شاگردان بسیاری از محضر وی بهره‌برده‌اند و به سال ۱۲۶۳ زندگی را بدرود گفته است. ^{۱۵}

مصطفی بن حنفی، شافعی مصری (م ۱۲۸۰م)، در این قرن کتابی پرداخت در تبیین و توضیح واژه‌های دشواریاب قرآن کریم، با عنوان «رسالة في تفسير غريب القرآن»، او واژه‌های کتاب را براساس حروف تنظیم کرده و توضیح داده است. ^{۱۶}

کتاب ذهبی در مصر، به سال ۱۲۸۲، به گونه سنگی به چاپ رسیده است. ^{۱۷} ذهبی از فقیهان، مفسران و عالمان مصر است که در دانش‌های دیگر اسلامی نیز دستی داشته است. وی کتاب‌هایی در فقه و دیگر علوم اسلامی رقم زده است. ^{۱۸}

سید برکات بن یوسف هورینی، در این قرن کتابی نوشته است، با عنوان «الجواهر الفرید فی رسم القرآن المجید»، او نگارش این کتاب را به سال ۱۲۸۱ هـ به پایان برده است. در این قرن کتاب «مبادئ التفسیر» محمد بن مصطفیٰ خضری (م ۱۲۸۷)، یاد کردنی است که در آن از چگونگی تفسیر پذیرگی قرآن کریم و مقدمات تفسیر سخن رفته است.^{۱۹} او منظومه‌ای نیز سروده است درباره متشابهات قرآن.^{۲۰} کتاب خضری نخست بار در مصر به سال ۱۳۲۱ نشر یافته است و سپس در دمشق به گونه افسست، به سال ۱۴۰۴ منتشر شده است.^{۲۱}

خضری از ادیبان، مفسران، فقیهان مصر است که در «دمیاط» دیده به جهان گشوده و در الأزهر دانش آموخته است، سپس به دیارش برگشته و به تألیف و تدریس همت گماشته و آثاری در موضوعات مختلف اسلامی از خود برجای نهاده است.^{۲۲} محمد معاویه بن محمود تونسی حنفی ترکی (م ۱۲۹۴)، درباره حروف مقطعه و راز و رمزهای آنها در قرآن کریم کتابی نوشته است، با عنوان «نزهة الفكر فی اسرار فواتح السور» او از عالمان و فاضلان تونسی است.^{۲۳}

محمد صادق هندی از فاضلان دیار هند (م ۱۲۹۰) کتابی نگاشت با عنوان «کنوز الطاف البرهان فی رموز أوقاف القرآن» که به سال ۱۲۹۰ نشر یافت.^{۲۴}

پیشگامان

محمد شریف بن عبدالله باقی، کوتاهی رومی تفسیرهایی را فهرست کرد با عنوان «مفتاح التفاسیر الجمیلة و مصباح الآیات الجلیلة الفرقانیة» که راهنمایی است، به جایگاه آیات تفسیر شده در تفسیر بیضاوی «انوار التنزیل» و حاشیه آن معروف به حاشیه شیخ زاده که هر دو به سال ۱۲۶۳ در بولاق چاپ شده است و برخی تفاسیر دیگر. وی در این فهرست آیات را براساس حروف آغازین آنها تنظیم کرده و جای بحث از آیه را در تفاسیر روشن کرده است. باقی رومی از مفسران و فقیهان مصر بوده و روزگاری مقام افتا داشته است، او به سال ۱۳۰۸ در مکه زندگی را بدرود گفته است.^{۲۵} کتاب باقی به سال ۱۲۸۹ در آستانه به چاپ رسیده است.

اکنون یاد کنیم از میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (م ۱۳۰۲)، معروف به صاحب «قصص العلماء» که در این قرن آثاری در علوم قرآن رقم زده است، از جمله مقدمه تفسیر وی با عنوان «توشیح التفسیر» یاد کردنی است. این کتاب در دو باب سامان یافته است. باب اول در مقدمات و مبادی بحث و باب دوم در قواعد تفسیر و تأویل. در بخش مقدمات از تواتر قرآن و عدم تحریف آن، معنی «من فسّر القرآن برأیه...»، تعداد سوره‌ها و آیه‌ها بحث کرده است و در بخش دوم که مشتمل بر قواعد تفسیر است، از حقیقت قرآن و شایستگی مفسر، آداب تفسیر و نکاتی که باید مفسر به هنگام تفسیر قرآن بدانها توجه کند، سخن گفته است.

او خود درباره این کتاب نوشته است :

تفسیر، پس مرا در آن چند تألیف است، اول کتاب «توشیح التفسیر» ... والی الآن دو مجلد نوشته ام، جلد اول در قواعد تفسیر است ... و مشتمل است بر قواعد علم تفسیر همچنان که فقهاء تأسیس قاعده می نمایند و از آن پس بر او مسایل تفریح می نمایند و همچنین فقیر بمرور از اخبار مأثوره استنباط قواعدی نمودم و بر هر یک از آن قواعد آیات بسیار تفریح کردم و بیان کردم وجه تکرار آیات قرآنی را و فصاحت آنها و بلاغت و جزالت و سلامت و ملاحه و وجه اعجاز و دفع تناقض در آیات قرآنی و تاویلات و نکات و جامعیت قرآن علوم را ...^{۲۶}

مؤلف در ضمن بحث اعجاز از «توشیح التفسیر»، از یکی دیگر از آثارش در علوم قرآنی یاد می کند. با عنوان «الفوائد» که بر اساس توضیحی که خود داده است، منظومه ای است در اعجاز قرآن که خود آن را شرح کرده است.^{۲۷}

میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، از عالمان، ادیبان، شاعران و فقیهان قرن سیزدهم هجری است، مرحوم مدرسی تبریزی درباره وی نوشته اند:

فقیه، اصولی، ادیب، شاعر ماهر، معقولی، منقولی، متفّن و از تلامذه صاحب «ضوابط» و بعضی اکابر دیگر بوده است و تألیفات متنوعه بسیار دارد.^{۲۸}

وی به تفصیل از زندگانی و آثار خود در کتاب مشهورش «قصص العلماء» سخن گفته است.^{۲۹} تنکابنی، به سال ۱۳۰۲ در سلیمان آباد زندگی را بدرود گفت.^{۳۰}

در این قرن، صدیق بن حسن القنوجی (م ۱۳۰۷) یاد کردنی است که در تفسیر و علوم قرآنی آثاری ارجمند رقم زده است. از جمله آثار اوست «افاده الشیوخ بمقدار الناسخ والمنسوخ» و «الاکسیر فی اصول التفسیر»^{۳۱} افزون بر اینها وی بخش عظیمی از کتاب ارجمند خود «ابجد العلوم الوشی المرقوم فی بیان أحوال العلوم» را ویژه تبیین و توضیح علوم قرآنی ساخته است و در ضمن آن از اسباب نزول، اعجاز، امثال قرآن، اقسام قرآن، خواص قرآنی، طبقات مفسران، غرائب قرآن، ایجاز و اطناب در قرآن و ... سخن گفته و برخی از آثار نگاهشته شده در این موضوعات را معرفی کرده است.^{۳۲}

صدیق خان قنوجی، در «بانس بریلی»^{۳۳} دیده به جهان گشود و در روزهای آغازین زندگی، مادرش او را به «قنوج»^{۳۴} برد، در شش سالگی پدرش را از دست داد. دانش اندوزی را در «قنوج» آغاز کرد و برای ادامه تحصیل، به «فرخ آباد» رفت، آنگاه به مراکز علمی دیگری رخت برکشید و از محضر عالمان بسیاری بهره گرفت تا به جایگاه بلندی در دانش دست یافت.

قنوجی در موضوعات مختلف اسلامی قلم زده است، در تفسیر، فقه و حدیث، آثاری خواندنی و سودمند سامان داده است. تفسیر وی با عنوان «فتح البیان فی مقاصد القرآن» از جمله تفاسیر ارجمند این قرن است.

قنوجی گرایش‌های سلفی‌گری داشته و از جریان فکری وهابی‌گری حمایت می‌کرده و در آن راه می‌گوشیده است. زندگانی قنوجی پرفراز و فرود است. او از جمله مفسران و فقیهانی است که با حکومت نیز در آمیخته و سالها به مسند حکومت تکیه زده و یا به تعبیر دقیق‌تر در حکومت تشریک مساعی داشته اما نه در حد راینزی محدود، بلکه در جایگاه مشاوره حاکم و دارای اختیار و سلطه. با این همه او در نشر فکر و فرهنگ، آثار و مآثر، سخت کوش بوده و در تألیف و تصنیف از هیچ کوششی باز نمی‌ایستاده است. او در تاریخ ۱۳۰۷/۶/۲۹ زندگی را بدرود گفت. ۳۵

۱. الفوائد الحائریه/ ۲۸۳.

۲. بنگرید به: الفوائد المدنیه/ ۴۷؛ الفوائد الطوسیة/ ۱۶۲، ۱۹۲؛ هداية الأبرار/ ۱۶۲، ۱۵۵؛ الحدائق الناضرة، ۲۷/۱ و...؛ مصادر الاستنباط بین الأصولیین والأخباریین/ ۷۹.

۳. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعة، ۶/ ۲۷۴.

۴. الفوائد الحائریه/ ۲۸۷ - ۲۸۳.

۵. در سالمرگ وی اختلاف است، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۱۶، آنچه را که آوردیم نقل نواده اوست، یعنی آقا احمد کرمانشاهی در مرآت الأحوال، ۱/ ۱۳۲. درباره او بنگرید به: روضات الجنات، ۲/ ۹۴؛ مرآت الأحوال، ۱/ ۱۲۸؛ معارف الرجال، ۱/ ۱۲۱؛ تنقیح المقال، ۲/ ۸۵؛ الفوائد الرضویه/ ۴۰۴، الکرام البررة، ۱/ ۱۷۲؛ اعیان الشیعة، ۹/ ۱۸۲؛ بهجة الأمال، ۶/ ۵۷۲؛ مقدمات کتاب‌های: الفوائد الحائریة و نیز: «الرسائل الأصولیة» و کتاب ارجمند «وحدید بهبهانی»، به خامه آقای علی دوانی.

۶. الذریعه، ۵/ ۲۷۴.

۷. منبع الحیاة/ ۶۶ و نیز ر. ک: الفوائد الطوسیة/ ۴۸۳.

۸. در این باره اشارات و تنبیه‌های فقیه بلند پایه تشیع حضرت آیت الله سید محمد حسین بروجردی که در شناخت فقه، جریانهای فقهی و تأثیر و تأثرهای نحله‌های فقهی بریکدیگر، و نیز در بازشناسی روایات و چگونگی صدور آنها بی‌نظیر بوده است، بسی رهگشا و تأمل‌آفرین است. ر. ک: نهاية الأصول، ۲/ ۴۷۶ به بعد، به خامه حضرت آیت الله منتظری.

۹. الذریعه، ۵/ ۲۷۴.

۱۰. تراجم اعیان دمشق/ ۳۱؛ معجم المطبوعات العربیة، ۱/ ۴۳۸؛ الأعلام، ۶/ ۲۱؛ معجم المؤلفین، ۳/ ۱۲۹؛ كشف الأسرار التورانی... / ۳.

۱۱. میه، یکی از دیه های مصر است.
۱۲. اعلام الدراسات القرآنیة/ ۳۰۱؛ ایضاح المکنون، ۵۸۲/۱.
۱۳. هداية العارفين، ۷۷۱/۱؛ معجم المؤلفين؛ ۴۸۰/۲.
۱۴. رسالة وجیزه...، السيد محمد حسن الموسوی الأصفهانی، عنی بتصحيحه الأستاذ البارع المولى محمد علی معلم حبيب آبادی، مكتبة المبين، اصفهان.
۱۵. بنگرید به مقدمه رساله یاد شده و نیز مکارم الآثار، ۱۷۲۷/۵.
۱۶. معجم المطبوعات العربية، ۹۱۲/۱.
۱۷. همان؛ اعلام الدراسات القرآنیة/ ۳۰۴.
۱۸. درباره او بنگرید به: معجم المطبوعات العربية، ۹۱۲/۱؛ معجم المؤلفين، ۱۵۴/۱؛ فهرس دار الكتب المصرية، ۸/۷.
۱۹. معجم المؤلفين، ۸۰۴/۱؛ فهرس الأزهریه، ۶۰/۱، ۶۱.
۲۰. معجم المؤلفين، ۷۱۹/۳؛ الأعلام/ ۷۱۸/۳؛ ایضاح المکنون، ۴۱۲/۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ۲۷۷/۲ (پانوشت).
۲۱. مبادئ التفسیر...، دار البصائر، دمشق ۱۴۰۴.
۲۲. الأعلام، ۱۰۰/۷؛ معجم المؤلفين، ۷۱۸/۳؛ معجم المطبوعات العربية، ۸۸۶/۱.
۲۳. معجم المؤلفين، ۷۴۷/۳؛ هدية العارفين، ۳۸۱/۲؛ ایضاح المکنون، ۶۴۰/۲.
۲۴. معجم المطبوعات العربية، ۱۶۶۸/۲؛ معجم المؤلفين، ۳۵۱/۳.
۲۵. اعلام الدراسات القرآنیة/ ۳۰۵؛ معجم المؤلفين، ۳۴۳/۳؛ معجم المطبوعات العربية، ۱۵۹/۱.
۲۶. قصص العلماء/ ۸۱، توشیح التفسیر چاپ شده است با این ویژه گیها: توشیح التفسیر فی قواعد التفسیر و التأویل، العالم المتبحر الجامع الميرزا محمد بن سليمان تنکائی، تحقیق: الشيخ جعفر السعیدی الجیلانی، قم، انتشارات کتاب سعیدی، ۱۴۱۱.
۲۷. توشیح التفسیر/ ۶.
۲۸. ریحانة الأدب، ۳۸۱/۳.
۲۹. قصص العلماء/ ۷۰ به بعد.
۳۰. ریحانة الأدب، ۳۸۱/۳؛ معجم المؤلفين الشيعه/ ۱۰۸؛ معجم المؤلفين، ۳۳۵/۳.
۳۱. به سال ۱۲۹۶ در هند نشر یافته است، معجم الدراسات القرآنیة/ ۶۲۴.
۳۲. ابجد العلوم، ۴۸۵/۲ به بعد.
۳۳. بانس بریلی، شهری است در شمال هند که با دهلی ۱۲۲ میل فاصله دارد (الهند فی المعهد الإسلامی/ ۸۰).
۳۴. قنوج، شهری است در ناحیه فرخ آباد و ۵۰ میلی رودگنگ که آنرا محمود بن سبکتکین گشود (لغتنامه دهخدا، ۵۶۸۸/۱۱).
۳۵. بنگرید به: فهرس الفهارس، ۲۶۹/۱؛ تاریخ آداب اللغة العربية، ۲۶۴/۴؛ الأعلام، ۳۶/۷؛ الأعلام الشرقيه، ۳۸۵/۱؛ معجم المطبوعات العربية، ۱۲۰۱/۲ و نیز بنگرید به: قرن الأعیان و مسرة الأذهان فی مآثر محمد صديق خان؛ نور المحسن صديق خان و «الصديق حسن القنوجی، آراؤه الاعتقادیه و موقفه من عقيدة السلف»، اختر جمال لقمان.